

آداب رسوم شهر سامان

دره عمیقی است که آب آن به زمینهای سامان قابل انتقال نیست.

آب و هوا

آب و هوای سامان از نوع آب و هوای معتدل کوهستانی است و دارای زمستانهای سرد و تابستانهای ملایم می باشد ، حداکثر درجه حرارت در این شهر به $39^{\circ}+$ درجه سانتیگراد و حداقل درجه حرارت به $10^{\circ}-$ درجه سانتیگراد در زمستان می رسد ، بارندگیهای این شهر در زمستان و بهار صورت میگیرد . باران سالیانه آن به ۲۵۰ میلیمتر می رسد .

جمعیت

جمعیت شهر سامان طبق سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ به ۱۶۲۵۸ میرسد این جمعیت از ۱۲۹۱ خانوار تشکیل شده است ، خانوارها از نظر جمعیت به ترتیب زیر تقسیم میشوند :

خانواده ۱ نفری	خانوار
۲	۱۰۳
۳	۱۶۸
۴	۱۵۱
۵	۱۷۸
۶	۱۷۷
۷	۱۶۷
۸	۱۵۳
۹	۱۱۱
۱۰	۵۲
	۳۱

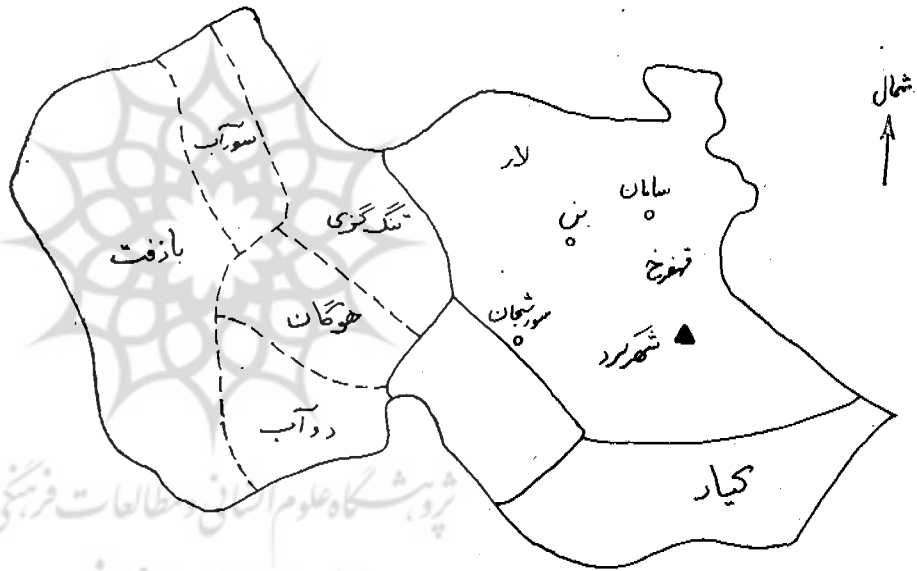
با توجه به جدول فوق معلوم

میشود که بیشتر خانواده سامان بین ۴-۶ نفر می باشند در این جمعیت تنها ۵۲ خانوار ۹ نفری و ۳۱ خانوار ۱۰ نفری به بالا وجود دارد .

نوع و درصد اشتغال

شهر سامان منطقه ایست کشاورزی و کار اصلی مردان کشاورزی می باشد و زنان هیچگاه در امر کشاورزی شرکت نمی کنند ، در این محل سنتهای قدیم کشاورزی در حال از بین رفتن بوده و کشاورزی مکانیزه جای آنرا میگیرد ، تولیدات کشاورزی این منطقه شامل غلات ،

دکتر جمال ودیعی



«موقعیت جغرافیائی»

جنوب غربی آن تنگه ای بین دو رشته کوه وجود دارد ، که تنها راه ارتباطی سامان با شهرکرد و سایر دهات و شهرهای چهارمحال بختیاری محسوب میشود .

ارتفاع شهر سامان از سطح دریاهای عمومی ۱۸۶ متر می باشد ، مرز شمالی و شمال شرقی سامان را زاینده رود تشکیل می دهد . این رودخانه در فاصله ۵ کیلومتری سامان در بستر عمیقی عبور میکند و آب رودخانه به هیچوجه قابل استفاده کشاورزی سامان نمی تواند باشد چون بستر رودخانه

سامان شهری است که در ۲۰ کیلومتری شمال غربی شهرکرد و ۹۰ کیلومتری جنوب غربی اصفهان واقع است . بنابراین از نظر تقسیمات کشوری تابع استان چهارمحال و بختیاری می باشد . چهارمحال عبارت است از چهار بلوک به نامهای لار ، کیار ، گندمان و میزوج . شهر سامان در منطقه لار واقع است و سامان منطقه ایست کوهستانی که جنوب و غرب آن توسط بلندی احاطه شده و در

میوه و خشکبار میباشد. قسمت اعظم زمینها به باغات میوه و انگور اختصاص دارد.

محصول انگور و کشمش و میوهجات به شهر کرد و اصفهان و سایر نقاط فرستاده میشود و کشاورزی بصورت دیمی و آبی انجام میگردد، آب جهت کشاورزی از طریق قنوات تأمین میگردد.

زنان و دختران شهر سامان به قالیبافی اشتغال دارند، بعد از کشاورزی مهمترین کار تولیدی این محل را قالیبافی تشکیل میدهد و در تأمین اقتصاد خانوادهها نقش مهمی ایفا میکند.

از کل شاغلین شهر سامان که ۲۵۵۲ نفر میباشد، ۱۶۹۷ نفر به کارهای تولیدی اشتغال دارند از این تعداد نترات در حدود ۹۸٪ به قالیبافی و تهیه مواد آن میپردازند، در نتیجه نقش قالیبافی در اقتصاد شهر سامان مشخص میگردد، از کل شاغلین شهر سامان تنها ۶۲۶ نفر که ۲۵٪ کل را تشکیل میدهد به کار کشاورزی اشتغال دارند.

درصد شاغلین شهر سامان طبق سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵.

کشاورزی	۲۵ درصد
تولیدات صنعتی	۵۲٫۵ درصد
ساختمان	۱۳٫۲ درصد
خدمات	۱ درصد
بازرگانی و حمل و نقل	۹٫۲ درصد

این نکته قابل توجه و لازم به توضیح است که چطور در یک منطقه کشاورزی ۵۲٫۵٪ کارها در امور تولیدی میباشد؟ چون نیمی از جمعیت که همان زنان و دختران میباشد به قالیبافی اشتغال دارند تعداد زیادی از مردان نیز در امر تهیه و تأمین مواد مورد مصرف قالیبافی کار میکنند، در نتیجه به سؤال فوق پاسخ داده شده و موضوع روشن میشود.

اگر جمعیت فعال را از دو ساله به بالا محسوب نمایم از کل جمعیت شهر سامان که ۶۲۵۸ نفر است ۲۰۱۶ نفر به بالاتر از دو سال بوده و جزو فعالین محسوب میشوند

(بدون احتساب از کار افتادگان).

میزان سواد

از جمعیت ۶۲۸۵ نفری شهر سامان، ۴۶۸۴ نفر از ۷ ساله به بالا بوده و از این نترات تنها ۱۲۶۸ نفر با سواد میباشند، در نتیجه ۲۷٪ مردم ۷ ساله به بالا با سواد و بقیه سواد خواندن و نوشتن ندارند، باید توجه داشت که قسمت اعظم بیسوادان را زنان و دختران تشکیل میدهند زیرا با سوادان بین زنان و دختران تنها به ۷٫۷ درصد میرسد در حالیکه ۴۶٫۸ درصد مردان با سوادند.

علت بیسوادی زنان و دختران اشتغال آنها به قالیبافی بوده است و این امر مانع شده که دختران لازم التعلیم بتوانند به دبستان راه یابند.

ساختن و تعمیر مسجد

در شهر سامان دو باب مسجد وجود دارد و مردم در ماه مبارک رمضان و محرم در این دو مسجد به برگزاری مراسم دینی میپردازند، بسیار اتفاق افتاده است که هرگاه احساس کنند که مسجد احتیاج به تعمیر و ایجاد ساختمانهای جدید دارد بر اساس تعاون همگانی به جمع آوری پول میپردازند و حتی ممکن است کسانی که پول ندارند خودشان در موقع تعمیر یا ساختمان مسجد کار کنند، همیشه بنا و کارگر و بعضی مصالح ساختمانی مجانی و از طریق کمک دیگران تهیه میشود.

جمع آوری اعانه برای مستمندان در مساجد

در مساجد شهر سامان در ایام سوگواری بسیار دیده میشود که پس از ختم مراسم مذهبی یکی از مردم به روی منبر رفته و اظهار میدارد که یکی از اهالی محل احتیاج به کمک شما دارد و هر کس هر اندازه که میتواند کمک کند تا رفع گرفتاری از محتاجی شود در نتیجه هر کس مبلغی را به شخص مورد اطمینانی که همانجا معرفی میشود میپردازند و او نیز وجوه جمع آوری شده را در موقع

مناسبی بد شخص محتاج میپردازد. گاهی اتفاق میافتد که حتی کمک دهندگان شخص محتاج را نمی شناسند.

نذرها

نذور در سامان بصورت جنسی و پولی میباشد و به صورتی که باشد در روزهای خاصی از سال که عبارتند از ایام سوگواری مثل تاسوعا و عاشورا، اربعین و نوزدهم و بیست و یکم رمضان و همچنین اعیاد مذهبی انجام میپذیرد.

انواع نذرها

۱ - پول نقد، که بیشتر به سادات و فقرا و اماکن مقدسه و امامزادهها پرداخت میشود.

۲ - قربانی، کشتن گوسفند یا هر حیوان حلال گوشت دیگر در ایام مخصوصی که بیشتر عید قربان انجام میگردد، گوشت این حیوانات بین مردم و حتی الامکان بین مستمندان تقسیم میشود.

۳ - دادن جنس و محصولات کشاورزی، که در اصطلاح محلی بنام «خرمن بهره» نامیده میشود و در هنگام برداشت محصول به افراد خاصی که بیشتر فقرا میباشند، می دهند.

۴ - تغذیه، معمولاً در ایام سوگواری و اعیاد مذهبی عدهای از مردم توسط نذر کنندگان تغذیه می شوند این کار می تواند به خوردن شربت و پخش خرما و شیرینی بین مردم منتهی گردد همچنین پختن غذا و آشهایی که بصورت غذاهای محلی می باشند (آش برگ - حلیم - حلوا - فتیر) بین همه افراد خانوادهها و حتی بنام هر یک از آنها معمول است و هیچ خانوادهای را نمیتوان یافت که یک نوع غذای نذری نداشته باشد، تمام این غذاها پس از آماده شدن بین مردم تقسیم میشود و بدین طریق کمکی در تغذیه دیگران بعمل می آید.

۱ - از کل جمعیت سامان ۳۱۴۵ نفر مرد و ۳۱۱۳ نفر زن میباشد.

«اجرای مراسم مذهبی»

اجرای مراسم مذهبی مخصوصاً روزهای تاسوعا و عاشورا تنها به کمک تعاون صورت میگیرد، هرکس بصورتی در مراسم شرکت می کند، مخارج این مراسم توسط مردم تأمین میشود.

در شهر سامان بیش از ۴۰ عَلم و ۸ نخل در ایام محرم درست میکنند، برای تزئین عَلمها و نخلهای همه مردم کمک کرده و پارچه و دستمالهای الوان در اختیار صاحبان آنها قرار میدهند تا این علمها و نخلهای به طرز زیبایی تزئین شوند، صاحبان علم و نخل نیز در دهه اول محرم شبها به نوحه خوانی می پردازند، کسانی که در این جلسات شرکت میکنند تغذیه می شوند و مخارج این نوحه خوانیها بیشتر از طرف صاحب علم و نخل و بقیه توسط خانواده ها بصورت نذر تأمین میشود.

تهیه وسایل لازم برای مساجد

در سالهای اخیر مراسم و مجالس ترحیم در مساجد برگزار میشود، انجام این مراسم، تهیه لوازمی را برای مساجد ضروری می نماید: فرش، چندین جلد قرآن، وسایل پذیرائی از جمله لوازم چای خوری و شیرینی خوری، تهیه بلندگو و غیره از جمله وسایلی است که مورد استفاده همگان قرار میگیرد خریدن و آماده کردن این وسایل از طریق همانطور که قبلاً گفته شد توسط مردم صورت گرفته و امروز در سامان وجود دارد.

«تأمین مخارج خادم مسجد»

بمنظور حفظ و نگهداری مساجد و همچنین نظافت آن شخصی را انتخاب میکنند و بر این کار میگذارند. تأمین مخارج زندگی شخص نامبرده از طرف همه مردم پرداخت میشود، خادم نیز به نظافت و گل کاری مسجد می پردازد و مسجد را برای انجام مراسم و مجالس مذهبی و غیره آماده میکند، مخارج خادم بیشتر بصورت

جنس هنگام برداشت محصول به او پرداخت میشود.

«تدفین مردگان»

مردم سامان را رسم بر این است که، هرگاه کسی مُرد، مردم کارهای خود را رها کرده و به تدفین مردگان اقدام میکنند. این کمکها شامل حمل جسد تا غسالخانه و قبرستان، (درموقع حمل جسد هرکس در مسیر باشد حتماً چند قدمی به حمل جنازه به پردازد و تشییع کنندگان را همراهی کند) شستشو و عمل غسل دادن، کندن قبر و تدفین می باشد، بعد از این در مراسم سوم و هفتمه و چهلم شرکت میکنند، ضمن اجرای این مراسم مردم به صرف شام و نهار دعوت می شوند، برای تأمین این مخارج شکلی از تعاون دیده می شود.

بدین ترتیب که شرکت کنندگان در این مراسم مبالغی پول و یا شیرینی به خانواده کسی که مرده است کمک میکنند.

«وقف»

بین مردم سامان رسمی است که هرگاه، کودکی در روز جمعه متولد شود، باید چیزی برای او وقف کنند، این موقوفات بیشتر بصورت خرید وسایل مورد نیاز همگان مانند دیگ، غذایزی - هاون تَوا (وسیله ای برای پختن ساج) و طناب انجام میگیرد.

«کمک در پرداخت بدهی نزدیکان»

اگر خانواده ای بدهی زیادی داشته باشد که قادر به تأمین و پرداخت آن نیست هر یک از بستگان بنحوی و به اندازه توانائی خود مخارج و بدهی آن خانواده را تأمین میکنند.

افسانه ها و خرافات

چندین افسانه از مردم سامان نقل می شود که چهار افسانه از مهمترین افسانه ها هستند که عبارتند از:

۱ - افسانه زن و مرد.

۲ - افسانه نعل اشکن.

۳ - افسانه کوه شیراز.

۴ - علی مکان.

۱ - افسانه زن و مرد: در شمال غربی

سامان بر دامنه تپه ای چند ردیف سنگ بزرگ و کوچک چنان بچشم می خورد که گوئی گله ای از گوسفند و شتر هستند که خوابیده اند بطوریکه اگر کسی از جریان اطلاع نداشته باشد و از فاصله دور منظره را می بیند گمان می کند گله گوسفند و شتری را خوابانده اند.

مردم سامان معتقدند که این سنگها گله ای گوسفند هستند که در اثر غضب خداوند به سنگ تبدیل شده اند، جریان از این قرار است که زن گله داری مشغول پختن نان بوده و در همین هنگام بچه کوچکی مدفوع می کند زن چند نان بر میدارد تا بچه را پاک کند ولی دوعدد دستمال ابریشمی خداوند از آسمان برایش می فرستد ولی زن دستمالها را برداشته و با نان بچه را پاک می کند در نتیجه خداوند به او غضب کرده و او و شوهر و تمام گوسفندان و شترهای او را سنگ می کند.

این محل را امروزه دره زن و مرد می نامند و هرکس از این نقطه عبور کند يك سنگ به قبر زن و يك سنگ هم به قبر مرد می زند و به آنان لعنت می فرستد.

۲ - افسانه نعل شکن: در کوه برمه

که در جنوب غربی سامان کشیده شده يك شکاف حاصل شده که کاملاً شبیه پای اسب و نعل است، مردم عقیده دارند هنگامی که حضرت علی (ع) از این نقطه عبور می کرده پای اسبش به کوه می خورد و در نتیجه کوه شکسته، و جای پای اسب در کوه باقی مانده است. این شکستگی چنان منظم و زیباست که گوئی قالبی از جای پای اسب ریخته اند.

۳ - افسانه کوه شیراز: در مورد

کوه شیراز که در ۳ کیلومتری غرب سامان واقع است افسانه ای نقل می کنند که وجه تشبیه این کوه از همین جا ناشی میشود همچنین ثابت می کند که ایلات قشقائی تا سامان بیشتر می آمده اند، چوپانی

در این کوه گله‌هایی داشته که هر روز برای آب دادن آنها را به سرچشمه می‌آورده و آب می‌داده، روزی متوجه می‌شود، که پیشرو گله که بنام «دو بر» نامیده می‌شود، چند روز است از چشمه آب نمی‌خورد چوپان در مورد پیدا کردن علت برمی‌آید تا اینکه می‌بیند «دو بر» از سوراخ سنگی آب می‌خورد، چوپان نی هفت‌بندی که علائم بخصوصی هم داشته وارد سوراخ می‌کند، اتفاقاً از دست او رها شده و در سوراخ پائین می‌رود تا اینکه پس از قشلاق چوپان در بازار شیراز نی خود را می‌بیند و از آن پس معتقد می‌شود که از زیر کوه تا شهر شیراز آب جاری است و برای همین نی او توسط آن آب به شیراز آمده و سپس از آب گرفته شده است و این افسانه را هنوز هم عده‌ای نقل می‌کنند و معتقدند که از زیر کوه تا شیراز جریان آبی وجود دارد.

۴ - افسانه علی مکان : در مشرق سامان دره مصفائی وجود دارد که مردم معتقدند حضرت علی علیه السلام هنگام مسافرت در اینجا توقف کرده شب را مانده است بدین جهت این دره را علی مکان می‌نامند، البته هیچگونه آثاری وجود ندارد که مؤید این عقیده باشد، روزهای جمعه در اینجا به پختن نذری می‌پردازند.

معتقدات خرافی

۱ - هنگامی که عروس را به حجله می‌آورند میخ آهنی بزرگی را بشدت بزمین می‌کوبند و معتقدند بدینوسیله میخ زندگی او را محکم کرده‌اند و زندگی آنان به جدائی نخواهد کشید.

۲ - وقتی عروس را وارد حجله می‌کنند بچه‌پسری را به بغل او می‌دهند و عقیده دارند بچه اول عروس پسر خواهد شد.

۳ - موقمی که می‌خواهند عروس را از خانه پدر به خانه داماد ببرند دو عدد نان و چند تخم مرغ پخته را در دستمالی قرار داده و توسط برادر عروس به کمر

عروس بسته می‌شود تا بخانه داماد برسد و عقیده دارند بدینوسیله خیر و برکت به خانه شوهر خواهد برد.

۴ - هنگامی که زنی میزاید و در بستر می‌خوابد يك لنگه گیوه به جلو در اطاق می‌کوبند و معتقدند که وقتی کسی از راه میرسد و خسته است خستگی خود را به گیوه می‌دهد و در غیر این صورت خستگی دچار بچه شده و بچه خفه خواهد شد.

۵ - اگر کسی ناگهان مریض و یا شکه شود آتشی روشن کرده و چندین بار بیمار را از روی آتش عبور می‌دهند و عقیده دارند با این کار بیمار بهبود خواهد یافت.

۶ - عقیده مردم بر این است که هر کس ستاره‌ای در آسمان دارد و هنگامی که می‌میرد ستاره او نیز می‌سوزد بدین جهت هر گاه شهابی را در آسمان به بینند می‌گویند کسی مرده و این ستاره اوست که می‌سوزد.

۷ - عده‌ای عقیده دارند که آب نیز نروماده دارد، بدین جهت چندین سال پیش هنگامی که آب یکی از قنوات سامان که بنام «لاغدم» معروف است بسیار کم می‌شود عقیده پیدا می‌کنند که این آب نر و زن می‌خواهد بنابراین دختری را با ساز و دهل به مظهر قنات آورده‌اند و او را وارد آب می‌کنند در نتیجه آب زیادی جریان می‌یابد.

۸ - هنگامی که قالی را می‌برند «کوجی» آنها در سر گذر می‌گذارند و یکی می‌ایستند تا به بیند چه کسی می‌آید، اگر پسر یا مرد آمد می‌گویند زن آبستن پسر می‌زاید و اگر دختر یا زن آمد می‌گویند زن آبستن دختر می‌زاید.

۹ - روز سه‌شنبه برای نذر کاجی می‌پزند و به کاجی سه‌شنبه معروف است، هفت عدد مغز بادام را در آن می‌اندازند و بعد از پختن تقسیم می‌کنند هر يك از این مغز بادامها در سهم هر خانواده‌ای که قرار گرفت (البته بطور تصادف) باید آن خانواده کاجی به‌پزد.

۱۰ - هنگامی که سنگ با صدای

ناراحت کننده‌ای زوزه بکشد کفش را وارونه قرار می‌دهند و معتقدند که سنگ دل درد گرفته و دیگر خاموش می‌شود.

مراسم عروسی

از دواج بدین صورت است که اول پسر مبلغی را که پدر دختر بعنوان شیربهاء تعیین می‌کند باید به عروس بپردازد، ضمناً در مورد تهیه جهیزیه پدر دختر صاحب اختیار است و هر چه را میل دارد تهیه می‌کند صبح روز عروسی با ساز و دهل عروس و داماد را جداگانه تا حمام همراهی می‌کنند و بعد از استحمام دوباره با ساز و دهل عروس و داماد تا خانه همراهی می‌کنند و در منزل عروس و داماد تا شب به رقص و پایکوبی مشغول می‌شوند.

دو شب بعد از عروسی داماد به عنوان سلام به خانه پدر زن می‌آید البته با اقوام خویش، عده‌ای در منزل عروس شام می‌خورند و عده‌ای هم در منزل داماد و در ضمن وجهی هم می‌پردازند، که باین شب «شب دواغ» می‌گویند در ضمن شب عروسی هر عده‌ای که از طرف عروس دعوت شده منزل عروس شام می‌خورند و هر عده‌ای از طرف داماد دعوت شده‌اند منزل داماد شام می‌خورند.

بعد از شب دواغ عروس را با ساز و دهل به خانه داماد می‌آورند و به عروس می‌گویند دو رکعت نماز حاجت بخوان و هر چه دعا دارد بکند.

چیزی که روز عروسی از همه جالبتر است این است که پس از اینکه داماد را با ساز و دهل از حمام به خانه آوردند برای او تخت می‌زنند و اطراف دیوارها را با پارچه‌های رنگارنگ تزیین می‌کنند، و داماد را روی تخت می‌نشانند و اول خواهر داماد می‌آید و به چشم داماد سورمه می‌کشد و مقداری به توانائی خود پول به داماد می‌دهد بعد از خواهر داماد بقیه اقوام هر يك همین عمل را انجام می‌دهند.